

رویکرد خاموشی و سکوت

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

خاموشی ؛ فراتر از سکوت ، ژرفنای هستی است که در ادیان، فلسفه و به ویژه عرفان خراسان ، جایگاهی والا یافته است. شمس تبریزی در مورد خاموشی و سکوت می فرماید :

" چیزی که در سخن نمی‌گنجد تنها با سکوت قابل فهم است . " در سکوت است که سنجش سخن به موازنه حقیقت می انجامد .

این نوشتار، در پی آن است تا جهات گوناگون خاموشی و سکوت را از دیدگاه عرفانی و فلسفی مورد کاوش قرار دهد و به ژرفا و گستردگی این مفهوم در اندیشه‌های عرفانی بپردازد.

در عرفان، خاموشی و سکوت به معنای فرا رفتن از دیوار کلمات و زبان است. عارفان خراسانی چون ابوسعید ابوالخیر، ابراهیم ادهم، بایزید بسطامی، عطار نیشابوری، سنایی غزنوی و مولوی، همگی خاموشی را کلیدی برای دستیابی به حقیقت ناب و بی قید می‌دانند.

آنان بر این باورند که کلمات، هر چند ابزاری برای ستایش و تفسیر حقیقت اند، اما قادر به بازشناسی کامل آن نیستند. خاموشی و سکوت ، راهی است برای ورود به جهانی فراتر از خرد و زبان، جهانی که در آن انسان تنها از راه سُهش و شهود به یگانگی با حقیقت دست می‌یابد.

عارفان، خاموشی را نمودار فروتنی و نرم‌خویی می‌دانند. هر چه انسان به کنه هستی نزدیکتر شود، بیشتر به کوچک بودن خود و بینش اش پی می‌برد و کمتر تمایل به سخن گفتن خواهد داشت. با خاموش کردن آوای ذهن، سالک به شنیدن ندهای درونی و دریافت پیغام غیبی نزدیکتر می‌شود.

در سلوک عرفانی سالک طریقت، خاموشی یکی از مهم ترین منازل است که در آن سالک از بند و ابستگی‌های دنیوی رها شده و به راستینه سرشت پاک ذات نزدیک می‌شود.

در فلسفه، خاموشی پیوسته به نام یک مفهوم پیچیده و چندوجهی مورد بازشناسی قرار گرفته است. برخی از خردمندان و فلاسفه ، خاموشی و سکوت را به منزلت ابزاری برای تفکر ژرف و رسیدن به راستینه سرشت پاکیزه ذات می‌دانند. بلی با خاموش کردن آواز ذهن در دایره احساس اخلاقی ، می‌شود به شناخت ژرف تری از خود و جهان پیرامون دست یافت.

برخی از خردمندان و فلاسفه در تاریخ بشری ، رویکرد خاموشی و سکوت را به عنوان شکلی از مقاومت در برابر قدرت و ستم می‌دانند. آنها باور دارند که با سکوت کردن، می‌توان در برابر گفتمان‌های چیره دست مقاومت کرد و به ایجاد گفتمان‌های جدید تر کمک کرد.

و شماری از اندیشمندان، خاموشی و سکوت را شیوه‌ای کارا و نافذ در مقابله با قدرت و ستم می‌دانند. آنان بر این باورند که سکوت، راهی برای ایستادگی در برابر گفتمان‌های چیره دست و گشودن باب نو در گفتگو است. اما تحقق چنین رویکردی، تنها در جوامعی با دموکراسی پویا و آزادی‌های اجتماعی گسترده ممکن می‌گردد. در غیر این صورت، خاموشی و سکوت ، به سلاحی در دست ستمگران بدل خواهد شد.

به عنوان نمونه ، در افغانستان پس از 15 اوت 2022 ، گروه طالبان با تحمیل محدودیت‌های شدید بر زنان و اقلیت‌های قومی ، فضای جامعه را به شدت خفقان‌آور ساخته است. در چنین شرایطی، سکوت به معنای تسلیم در برابر ظلم است و نه مقاومت.

بنابراین، خاموشی به‌عنوان راهبرد مقاومت، تنها در جوامع آزاد و دمکراتیک کارآمد خواهد بود. در جوامعی که حاکمیت به دست مردم است، سکوت اعتراض‌آمیز می‌تواند به ابزاری قدرتمند در مبارزه برای عدالت خواهی تبدیل شود.

– در پایان باید گفت که : خاموشی و سکوت ، فراتر از نبود آواز، یک جنبه وجودی ذات است که در آن انسان به ژرفای وجود خود و پیوند خود با جهان هستی پی می‌برد.

– در عرفان نیز، خاموشی راهی برای رسیدن به کنه راستینه ذات است .

– و در فلسفه، ابزاری برای تفکر ژرف و شناخت حقیقت ناب است .

– خاموشی و سکوت ، در تاریخ پژوهش و تحقیق ، پیوسته به مفهوم یک رویکرد پیچیده و چندوجهی، در درازنای زمان مورد توجه بسیاری از خردورزان قرار گرفته است و همچنان به مفهوم یکی از باارزشترین مسایل فلسفی و عرفانی همواره مورد تأمل و بررسی است. با احترام